

متحدانه از حق حیات و حقوق انسانی خود دفاع کنیم

میلاد رحمانی

بیست نهم تیر ماه هشتاد و شش

موج عظیم اخراج و بیکارسازی کارگران و تعویق چندین ماهه پرداخت حقوقها، مدتهاست که کارگران را در وضعیتی به شدت فلاکت بار قرار داده است. البته شرایط بسیار برده وار کار و دستمزدهای زیر خط فقر و نیز عدم امنیت شغلی را هم باید به این وضعیت اضافه کرد. کارگران به خاطر وضعیت بسیار بد اقتصادی جامعه، همواره سایه ترس اخراج و بیکاری را بر بالای سر خود دارند و این فشار و استرس دو چندان را به زندگی آنان تحمیل می کند. چه کارگرانی که دارای شغل هستند و چه آنها که اخراج شده و بیکار هستند، همه گی به یک اندازه وضعیتی اسفباری دارند. البته ناگفته پیداست که با توجه به شرایط امروز جامعه و گرانیهای سرسام آور و تورم، وضعیت کارگران اخراجی و بیکار چگونه است.

نگاهی به آمار اخراج و بیکارسازی کارگران در دو هفته گذشته بیانداریم.

بیش از ۱۲۰۰۰ نفر در طول این ۱۴ روز از کار اخراج و بیکار شده و یا برای مدت بیش از ۲ تا ۶ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. بیش از نیمی از این کارگران و نیز خیل عظیم سایر کارگرانی که هرگز خبر اخراج، تعلیق و تعویق حقوقشان منتشر نمی شود، به خاطر ترس از برخورد نیروهای امنیتی و زدن انواع برچسب ها، هرگز به وضعیت خود اعتراض نمی کنند و رسیدگی به وضعیت خود را به خانه کارگر، که در کنار کارفرمایان و دولت است، می سپارند. با یک حساب سرانگشتی می توان دریافت که چه جمعیت زیادی از کارگران در طول نه یک ماه، که در طول یک سال از کار خود اخراج می شوند. جالب اینکه با این وضعیت معیشت و اخراج و بیکار سازیها وزیر رفاه اعلام می کند رقم افراد زیر خط فقر در ایران ۲ میلیون نفر است! احتمالاً ایشان طبقه کارگر را کلا از آمار و ارقام موجود در سیستم اداری خود حذف کرده اند. آماری هم که منتشر می شود البته، فقط آن مقدار آماری است که از مجاری اداری و از زیر دست کارفرمایان خارج شده و در رسانه ها منتشر می شود. بدون شک آمار بسیار زیادی از اخراج، تعویق حقوقها و تحمیل شرایط غیر انسانی کار به کارگران هرگز منتشر نمیشود.

حال سوال اینجاست که ما کارگران چرا باید به چنین شرایطی تن دهیم؟ آیا تنها راه رهایی ما از این وضعیت، اعتراض متحدانه و طلب حقوق به حق خود نیست؟ آیا تعداد و قدرت ما چنان نیست که بتوانیم به این وضعیت اعتراض کنیم و خواهان شرایطی بهتر و انسانی تر شویم؟ آیا نمی توانیم یکصدا و متحد شعار " ما کار می کنیم که زندگی کنیم، زندگی نمی کنیم که کار نمی کنیم" را فریاد بزنیم؟ بدیهی است که ما کارگران در چنین وضعیتی که به ما تحمیل شده نمیتوانیم احساس آسودگی کنیم، وضعیت ما طوری نیست که یک نفر یا همه ما بتواند، آنطور که شایسته انسان است، فکر و احساس و زندگی کند. بنابراین ما کارگران ناچاریم بکوشیم که از این شرایط غیر

انسانی رهایی یابیم و موقعیتی بهتر و انسانی تر برای خود بدست آوریم. ما بدون دفاع متحدانه از منافع خود، قادر به انجام این کار نیستیم، صاحبان سرمایه با تمام نیرویی که ثروتش و قدرت دولتی در اختیار او میگذارد از منافع خود دفاع میکنند. از طرف دیگر به نسبتی که ما کارگران عزم به تغییر وضعیت غیر انسانی خود کنیم، به همان نسبت هم سرمایه داری مانند یک دشمن قسم خورده در مقابل مان خواهد ایستاد. تنها کافی است نگاهی به موج سرکوب کارگران در مدت اخیر انداخت: حمله وحشیانه به تجمعات اعتراضی معلمان و ضرب و شتم و بازداشت تعداد زیادی از معلمان، بازداشت و زندانی نمودن محمود صالحی از فعالین کارگری سقز، هجوم غیر انسانی به کارگران افغان و اعمال آپارتاید قومی و اخراج آنها از ایران، هجوم نیروهای امنیتی به مراسمهای روز جهانی کارگر در سنندج و تهران و دستگیری فعالین کارگری شهر سنندج، صدور احکام سنگین ۵ سال زندان برای منصور اصائلو و زدن اتهامات واهی به فعالین کارگری سنندج، شیث امانی و صدیق کریمی و نیز حمله به تحصنها و تجمعات اعتراضی کارگران به اخراج و پرداخت نشدن حقوقهایشان، تنها نمونه ای از این سرکوب و حمله تمام عیار سرمایه داری ایران به طبقه کارگر است.

بعلاوه در این که در هر لحظه به ما کارگران این احساس دست میدهد که صاحبان سرمایه با ما مانند یک کالا، مانند مایملک خودشان رفتار میکنند ذره ای شک نداریم و به همین دلیل، اگر هیچ دلیل دیگری هم نباشد، ما باید در مقابل سرمایه داری که ما را برده خود کرده، متحدانه از حق حیات و حقوق انسانی خود دفاع کنیم. ما ملک خصوصی و برده هیچ کس نیستیم که هر طور دلشان خواست با ما برخورد کنند. قرار نیست سهم ما کارگران از کل سرمایه موجود در جامعه که تماماً حاصل تلاش شبانه روزی ما است، فقر و فلاکت باشد. قرار نیست ما کارگران بردگانی باشیم که برای زنده ماندن، نیروی کار خود را به هر قیمتی به صاحبان سرمایه بفروشیم.

ما خواهان پایان اخراج و بیکار سازی کارگران و پرداخت به موقع حقوقمان هستیم. تامین امنیت شغلی و به کار بازگرداندن کارگران اخراجی و بیکار و نیز حداقل دستمزد ماهی ۶۰۰ هزار تومان خواست بر حق ما کارگران است که کارفرمایان و دولت باید به آن عمل کنند. ما خواستار به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل کارگری و رفع محدودیت برای تشکیل آنها از طرف کارفرمایان و دولت هستیم. تحقق این خواستها که بی تردید آرزوی همه ی ما کارگران است و در لحظه لحظه ی زورگویی های کارفرمایان درباره آن با همدیگر صحبت کرده ایم، در گرو اتحاد ماست. امروز که اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار تشکیل شده است، دخالتگری در سرنوشت و پیوستن به آن امر ضروری همه ما کارگران است. اتحادیه بستری مناسب برای احقاق حقوق ما کارگران است و پیوستن ما به اتحادیه، قدرت و تاثیر گذاری اتحادیه را در رسیدن تک تک ما کارگران به خواست هایمان عملی می کند. از این رو درنگ نکنیم و با پیوستن به اتحادیه و متشکل شدن در آن، به زمزمه های قلبی خود برای متحد شدن جامعه ی عمل بپوشانیم و دست در دست یکدیگر، اجازه ندهیم که سرمایه داری بیش از این زندگی ما را به تباهی بکشاند و ما را برده خود نگه دارد.

میلاذ رحمانی

منبع: سایت اتحاد